

# گاه شمار هفته

حسین قهرایی (عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان)

## پیشگفتار

اقوام و ملیت‌های مختلف باهفته و نام روزهای آن: شنبه، یکشنبه و... به‌خوبی آشنایی دارند و برنامه زندگی خود را اعم از کار، عبادت، استراحت، تفریح و... براساس آن تنظیم می‌کنند؛ هرچند که روز شروع و پایان هفته در بین ملتها و پیروان ادیان مختلف، متفاوت است. در این نوشتار سعی شده است که درباره اصل و منشأ هفته و مشکلاتی که هفته در گاه‌شماری ماه ایجاد می‌کند، نامگذاری روزهای هفته، در ایران باستان و سایر ملل مطالبی ارائه گردد.

## اصل و منشأ هفته

اصل و منشأ هفته هفت روزه، مورد بحث و اختلاف محققین و دانشمندان است. ولی اکثرآ بر این عقیده‌اند که رؤیت صور چهارگانه ماه با فاصله تقریبی هفت روز منشأ بوجود آمدن هفته هفت روز بوده است. تغییر صور ماه از هلال تا ربع و از ربع تا صورت کامل، از صورت کامل تا ربع آخر و از ربع آخر تا هلال پایانی، هر یک در مدتی تقریباً مساوی هفت روز انجام می‌شود. البته تقسیم ماه به هفته روش جالبی نیست، زیرا روزهای ماه به‌طور صریح و صحیح به هفت قابل قسمت نمی‌باشند و تعداد هفته معینی نیز در یک ماه کامل نمی‌گنجد؛ مثلاً در پایان هفته چهارم (روز ۲۸ ماه) می‌بینیم که هنوز یک یا دو روز از ماه باقیمانده است. لذا پنجمین هفته بین دو ماه تقسیم می‌گردد و هر بخش آن به یکی از آن ماهها تعلق می‌یابد. از طرف دیگر، تقسیم‌بندی ماه به هفت روز هفته، نتایجی را به همراه دارد؛ زیرا با توجه به این که روزهای ماه به‌طور صریح و صحیح به عدد هفت قابل قسمت نیست و تعداد هفته معینی نیز در یک ماه نمی‌گنجد ولی این روش، امکان می‌دهد تا از ایام هفته به منظور بررسی و نظارت در درستی تواریخی که روزهای هفتگی آنها در دست است، استفاده شود.

با تبدیل سال و ماه قمری به سال و ماه شمسی، ارتباط ایام هفته با روزهای ماه شمسی قطع می‌شود و در نتیجه هفت روز هفته، به صورت گاه‌شمار مستقلی درآمده و به موازات سایر گاه‌شمارها جریان پیدا می‌نماید؛ معذراً در نامهای سی‌روزه ماه زرتشتی که از اوستا سرچشمه گرفته‌اند آثاری از تقسیم‌بندی ایام ماهیانه را به هفت روز هفته می‌توان یافت (برای توضیح بیشتر به جدول شماره ۱ مراجعه شود).

روز یکم  
روز هشتم

روز پانزدهم  
روز بیست و سوم

## نام‌گذاری روزهای هفته

برخی از محققین نام‌گذاری روزهای هفته را با نام سیارات هفتگانه، به بابلها نسبت می‌دهند و بعضی آنرا به عقاید مذهبی و نفوذ احکام نجوم در میان ایرانیان و تقدس عدد هفت نسبت داده‌اند. منجمان ایرانی نیز سیارات را خداوندان روزهای هفته می‌دانستند و از خورشید آغاز می‌کردند و بنابراین نخستین روز هفته روز یکشنبه (روز خورشید) می‌شد.

ریشه کهن تقدس عدد هفت در تاریخ، اساطیر و افسانه‌ها و ادبیات ایرانی این باور را به‌وجود آورده که نام‌گذاری روزهای هفته با نام سیارات هفتگانه از ایران نشأت گرفته است؛ چنانچه عدد هفت در موارد مختلف از جمله: داستان هفت خان رستم، هفت آسمان، امشاسبندان هفتگانه، هفت شاهزاده پارسی و داستانهای بسیار دیگر آمده است.

نام‌گذاری روزهای هفته با نام سیارات هفتگانه بدین صورت است که اسامی هر یک از هفت سیاره شناخته شده آن زمان را، که هر یک مظهر یکی از خدایان آسمان محسوب می‌شدند؛ به یکی از روزهای هفته پیوند می‌دادند.

Sunday	(خورشید)	Sun	یکشنبه
Monday	(ماه)	Moon	دوشنبه
Tuesday	(مریخ)	Mars	سه‌شنبه
Wednesday	(عطارد)	Mercury	چهارشنبه
Thursday	(مشتری)	Jupiter	پنج‌شنبه
Friday	(زهره)	Venus	جمعه
Saturday	(زحل)	Saturn	شنبه

در زبان انگلیسی در خصوص سه روز شنبه، یکشنبه و دوشنبه به مشابهتی با اسامی اطلاق شده توسط رومیها برمی‌خوریم: شنبه (Saturday) یکشنبه (Sunday) و دوشنبه (Monday). ولی چهار روز دیگر هفته با اسامی بدست آمده از فرهنگ انگلوساکسونهای قبل از مسیحیت نام‌گذاری شده‌اند: سه‌شنبه (Tuesday) از نام Tiw که خدای جنگ بوده گرفته شده است. چهارشنبه (Wednesday) از نام Woden که خدای خدایان بوده دریافت شده است. پنجشنبه (Thursday) متعلق به Thor خدای رعد و طوفان بوده است. بالاخره جمعه (Friday) از نام Freia که الهه زیبایی بوده اقتباس شده است (بعضی معتقدند که Friday از نام

روز اهورامزدا

روز دین به آذر (دی به آذر)

بوده است. در مصر دوره ده روزه رایج بود. رومیان دوره نه روزه را مراعات می‌کردند. در چین نیز دوره ده روزه به نام هسون معمول بود. □

## هفته در ایران باستان و سایر ملل

ایرانیان ناپیش ازتشریف به دین اسلام به منظور تقسیم روزهای ماه به گروه‌های کوچکتر، هفته و دهه را به کار نمی‌بردند؛ اما برای تعیین روز ماه - در تاریخ‌گذاری - روزهای ماه را به ترتیب به نامهای متفاوتی از خداوند و فرشتگان و مفاهیم دیگری در دین زرتشت نام‌گذاری می‌کردند (جدول شماره ۱). اولین روز هر ماه به نام خداوند بزرگ «اهورامزدا» یا «هورمز» و روزهای هشتم، نازدهم و بیست و سوم هر ماه را «دین» می‌نامیدند و بدین‌گونه یک ماه به چهار گروه که هر گروه فاصله میان روزهای مذکور را در بر می‌گرفت، تقسیم می‌گردید. به منظور تشخیص روزهای که «دین» نامیده می‌شد در هر یک از این سه روز واژه «دین» را به نام روز بعد می‌افزودند؛ «دین به آذر» «دین به مهر» و «دین به دین». بنابراین روزهای ماه به چهار گروه که اولین روز هر گروه، روز جشن، استراحت، بازار و معمولاً به اجرای مراسم مذهبی اختصاص داشت، تقسیم می‌گردید؛ در واقع ماه به دو دوره هفت روزه و دو دوره هشت روزه تقسیم می‌شد.

هفته هفت روزه به صورتی که تا به امروز معمول است ظاهراً به وسیله ایرانیانی که دین اجدادی خود را رها کردند و مسلمان شدند در ایران معمول گردید؛ چنانچه پیروان دین زرتشت هنوز روزهای ماه را به شیوه سنتی نام‌گذاری می‌نمایند. از طرف دیگر بعد از ظهور اسلام، ایرانیانی که هفته هفت روزه را پذیرفتند؛ در مورد روز نخستین هفته، متفق نبودند. متجمان و مورخان ایران تا قرن دوازدهم مسیحی «یکشنبه» را روز شروع و نخستین روز هفته به شمار می‌آوردند؛ چنانچه در سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی درباره روزهای هفته چنین نوشته است: «روزهای هفته و اعداد آنها در تقویم به شرح زیر است: «یکشنبه» «دوشنبه» «ب» و به همین ترتیب تا شنبه که عدد آن «ز» یعنی طبق اعداد ابجد هفت می‌شود البته چون در دین اسلام، روز جمعه، روز استراحت و عبادت است؛ به تدریج شروع هفته از روز بعد از استراحت و تعطیل یعنی شنبه معمول شد. بایلیها هفته هفت روزه را که به وسیله آن روزهای هفتم، چهاردهم، بیست و یکم و بیست‌وهشتم هر ماه روزهای استراحت بود به کار می‌بردند. هفته هفت روزه بایلیها که در ماه قمری تثبیت شده بود با نام‌گذاری روزهای ماههای سی روزه ایرانیان بی‌شبهت نیست، اما دلیلی بر اقباس در آن دیده نمی‌شود.

عبریه که در قرن ششم قبل از میلاد به اسارت بایلیها درآمدند، شمارش و تقسیم‌بندی ماه و هفته را از آنان پذیرفتند و حتی به آن اهمیتی مذهبی بخشیدند؛ یعنی هفتمین روز آن را به خدا اختصاص دادند و در این روز هیچ‌گونه معامله و دادوستد تجاری انجام نمی‌دادند. روز آخر هفته را «شبات» (Shabbat) نامیده می‌شود؛ چنانکه کلیمیا روز آخر هفته را «شبات» (Shabbat) می‌نامند که به زمان عبوری به معنی استراحت است و ما آنرا شنبه می‌نامیم. یونانی‌ها و رومی‌های قبل از مسیح با این‌گونه تقسیم‌بندی و شمارش روزهای ماه آشنایی نداشتند. با گسترش مسیحیت به قلمرو و کشور یونان و روم، این مدل نیز هفته را پذیرفتند؛ چنانکه کنستانتین، اولین امپراتور روم که به مسیحیت روی آورد باعث شد تا هفته نیز بر مبنای سنن مسیحیان در تقویم رومیان جای خود را باز کند.

در بعضی اقوام باستانی دوره‌های چهار روزه و شش روزه معمول

## جدول شماره ۱: نام زرتشی روزهای ماه

ردیف	اوستا	یزدنی	تقویم‌های جدید زرتشتی
۱	اهورامزدا	هرمز(فرخ)	هرمز
۲	زئمن	بهمن	بهمن
۳	آشواشسته	اردیبهشت	اردیبهشت
۴	خسثروژئیه	شربور	شهریور
۵	اسپهنته آرمشیتی	اسفندارمذ	اسفندارمذ(اسفند)
۶	هئورونات	خرداذ	خرداد
۷	امیرتات	مرداذ	امرداد(مرداد)
۸	دین به‌آذر	دین به‌آذر	دی به‌آذر
۹	آئر	آذر	آذر
۱۰	آین	آبان	آبان
۱۱	هورئشینه	خور	خورشید(خور)
۱۲	مئوق	ماه	ماه
۱۳	تیشتره	تیر	تیر
۱۴	گئوش	گوش	گوش
۱۵	دین به‌مئره	دین به‌مهر	دی به‌مهر
۱۶	مئره	مهر	مهر
۱۷	سروش	سروش	سروش
۱۸	رشنو	رشن	رشن
۱۹	فرزئسی	فروردین	فروردین
۲۰	وئزئرفنه	بهرام	بهرام
۲۱	رام	رام	رام
۲۲	وانه	پاذ	پاذ
۲۳	دین به‌دئنه	دین به‌دین	دین به‌دین
۲۴	دئنه	دین	دین
۲۵	آئشی	ارد	ارد
۲۶	ارشئات	اشئاذ	اشئاذ
۲۷	آسمن	آسمان	آسمان
۲۸	زئمئات	زئمئات	زئمئات
۲۹	مئرشپهئنه	مئرشفند	مئرشپند(مئرشپند)
۳۰	انفره	انیران(بهروز)	انیران

## منابع

- ۱) بهروز، ذبیح: تقویم و تاریخ در ایران، انجمن ایرانی، ۱۳۳۱.
- ۲) عبداللهی، دکتر رضا: تاریخ تاریخ در ایران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ۳) آسیموف، ایساک، گردش زمان، ترجمه حسین وجداندوست، انتشارات تیرازه، ۱۳۶۲.
- ۴) کاوه، علی محمد: تاریخ و تاریخ‌گذاری در جهان از دیرباز تا امروز، تهران، ۱۳۹۶.
- ۵) بریور، بریان، گرافیک‌های ماه و خورشید، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- ۶) نیش، دکتر ابوالفضل، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
- ۷) کاوه، علی محمد، گاه‌شمار و تاریخ‌گذاری از آغاز تا سرنجام، نشر بزراد، ۱۳۷۳.
- ۸) بیرشک، احمد، گاهنامه تطبیقی سه‌هزار ساله، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

## پاورقی:

- ۱) متجمین عصر باستان خورشید و ماه و نیز پنج سیاره شناخته شده آن زمان یعنی عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل را در ردیف هم قرار داده و به عنوان سیاره می‌شناختند و معتقد بودند که زمین مرکز عالم است و این هفت سیاره و سایر ستارگان آسمان به دور زمین در حال گردش هستند.
- ۲) عبداللهی، دکتر رضا: تاریخ تاریخ در ایران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۳۵۲-۳۵۳.